

# بی طرفی در نظریه سیاسی

## جان رالز

تألیف

سید رضا موسوی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۹۱۷۹

شماره انتشار ۳۸۵۳

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: موسوی، سیدرضا، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: بی‌طرفی در نظریه سیاسی جان رالز/ تألیف سیدرضا موسوی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۶ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۸۵۳.
شابک	: 978-964-03-7052-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: رالز، جان، ۱۹۲۱-۲۰۰۲ م-- نظریه درباره عدالت
موضوع	: رالز، جان، ۱۹۲۱-۲۰۰۲ م. -- نظریه درباره عدالت اجتماعی
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: JC ۵۷۸/م۹ب۹ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۰/۰۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۴۱۵۱۳

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

ISBN:978-964-03-7052-0



9 789640 370520

عنوان: بی‌طرفی در نظریه سیاسی جان رالز  
 تألیف: دکتر سیدرضا موسوی  
 ویرایش ادبی: فرشاد رضوان  
 نوبت چاپ: اول  
 تاریخ انتشار: ۱۳۹۶  
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
 ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران  
 چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: [press@ut.ac.ir](mailto:press@ut.ac.ir) - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲



## فهرست مطالب

مقدمه	ح
فصل اول: مفهوم بی طرفی و معیارهای سنجش آن از نظر رالز	۱
مقدمه	۱
بخش اول: وضع نخستین و مؤلفه‌های آن	۲
بخش دوم: تبیین مفهوم بی طرفی از نظر رالز در وضع نخستین	۴
۱. وظیفه‌گرایی	۵
الف) مفهوم خیر	۵
ب) مفهوم حق	۶
ج) برتری مفهوم حق بر مفهوم خیر	۸
۲. اعتبارگرایی	۹
۳. اضلاع سه‌گانه لیبرالیسم سیاسی	۱۱
بخش سوم: معیارهای بی طرفی از نظر رالز	۱۳
۱. عدم ابتدای به خیرهای خاص	۱۴
۲. محدود و نه فراگیر، خاص و نه عام	۱۵
۳. نظریه‌ای سیاسی و نه مابعدالطبیعی	۱۶
۴. انصاف در قضاوت	۱۸
۵. فهم‌شدنی بودن مفهوم حق	۲۲
۶. حفظ منافع اقلیت	۲۵
فصل دوم: نقد و بررسی پرده‌جهل و بی طرفی در نظریه رالز	۲۹
مقدمه	۲۹
بخش اول: تبیین و تحلیل پرده‌جهل	۲۹

۳۲	بخش دوم: اصول عدالت و پرده جهل
۳۲	۱. توافق معقول
۳۵	۲. اتفاق نظر
۳۷	۳. نفع مقدم و نفع واقعی
۳۹	بخش سوم: تکثر گرایی و پرده جهل
۴۰	۱. فقدان تکثر گرایی
۴۲	بخش چهارم: عقلانیت و پرده جهل
۴۳	۱. قوه عقلانیت در وضع نخستین
۴۶	۲. عیار سنجی عقلانیت
۵۷	فصل سوم: نقد و بررسی خیرهای اولیه در نظریه رالز
۵۷	مقدمه
۵۷	بخش اول: ضرورت خیرهای اولیه
۶۲	بخش دوم: تبیین خیرهای اولیه
۶۶	بخش سوم: نقد خیرهای اولیه
۶۷	۱. مفهوم سیاسی از انسان، پیش فرضی بی طرف؟
۷۱	۲. بی طرفی خیرهای اولیه
۸۰	۳. تحلیل فردگرایانه بودن خیرهای اولیه
۸۹	فصل چهارم: نقد و بررسی اصل عدم نفع متقابل در نظریه رالز
۸۹	مقدمه
۸۹	بخش اول: تبیین عدم نفع متقابل
۹۰	۱. عدم نفع متقابل، یکی از ارکان بی طرفی
۹۳	۲. عدم نفع متقابل و انگیزه های منفی
۹۵	۳. عدم نفع متقابل و خودمحوری نمایندگان
۹۵	۴. عدم نفع متقابل و ثبات وضع نخستین و جامعه
۹۷	۵. عدم نفع متقابل و تجدید نظرهای رالز
۹۸	بخش دوم: نقد عدم نفع متقابل
۹۹	۱. دیگر دوستی

فهرست □ ج

۱-۱. نوسبام مخالف رالز.....	۹۹
۱-۲. تحلیل انتقاد نوسبام.....	۱۰۱
۲. حسادت.....	۱۰۴
۲-۱. نوزیک مخالف رالز.....	۱۰۵
۲-۲. تحلیل انتقادهای نوزیک.....	۱۰۶
<b>فصل پنجم: ارزیابی بی طرفی در نظریه رالز.....</b>	
۱۱۵.....	۱۱۵
مقدمه.....	۱۱۵
۱. ارزیابی معیارهای بی طرفی.....	۱۱۵
۲. اعمال معیارهای بی طرفی.....	۱۱۷
۲-۱. استقلال از خیرهای خاص و تکثرگرایی.....	۱۱۷
۲-۲. محدود و نه فراگیر، خاص و نه عام.....	۱۲۲
۳. ارزیابی نهایی از بی طرفی در نظریه رالز.....	۱۲۷
منابع.....	۱۳۱

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم جوامعی که دموکراسی لیبرال، نظام سیاسی حاکم بر آنها محسوب می‌شود، تکثرگرایی<sup>۱</sup> است. این ویژگی به معنای تنوع دیدگاه‌های سیاسی، وجود ادیان الهی و بشری گوناگون، ارزش‌های اخلاقی مختلف و هویت‌های فرهنگی متفاوت خواهد بود. شهروندان در این جوامع، شامل گروه‌های مختلف سیاسی، دینی و اخلاقی، خواستار ترویج آرای مخصوص به خود هستند. خواسته‌های مختلف این شهروندان لزوماً با هم جمع‌پذیر نیست و حتی تضاد برخی از آنها با یکدیگر چنان است که دولت‌ها ناچارند یکی را انتخاب کنند و دیگری را نادیده انگارند یا طرد کنند. در این صورت، آن گروه از شهروندان که توقعاتشان برآورده نشده‌است دولت را به تبعیض متهم خواهند کرد. گاهی این تضادها چنان مهم می‌شود که امنیت ملی و بنیان‌های جامعه را با خطر مواجه می‌کنند. به این ترتیب وجود نظریه‌ها، آرا و توقعات مختلف و متضاد در این جوامع یکی از مشکلات نظری و عملی پیش روی نظریه دموکراسی لیبرال است. البته هر چند که امروزه مشکل مذکور جلوه بیشتر و گسترده‌تری دارد، قبل از این نیز به شکل اختلاف نظر اکثریت و اقلیت در برخی موضوعات بروز می‌کرده است. طی سه سده گذشته جوامع غرب بر مبنای نظریه فایده‌گرایی، یعنی ترجیح نظر اکثریت بر اقلیت، در به حداکثر رساندن سود جامعه، مشکل مزبور را چاره می‌کرد. این روش گاهی با انتقاد روبه‌رو شده ولی راه حل جدی و مهمی ارائه نمی‌شد. مبنای اصلی این انتقادات قربانی شدن منافع اقلیت جامعه در برابر خواسته‌های اکثریت است.

مشهورترین فیلسوفی که در گذشته دور، از فایده‌گرایی به صورت کلی، یعنی ترجیح اکثریت بر اقلیت، انتقاد می‌کرد، ژان ژاک روسو بود. او این روش را دیکتاتوری نرم می‌خواند. البته امروزه انتقاد از فایده‌گرایی عمومیت پیدا کرده و فیلسوفانی از نحله‌های مختلف دموکراسی لیبرال، جایگزین‌های دیگری پیشنهاد کرده‌اند. در بین آنها جان رالز<sup>۲</sup> مهم‌ترین فیلسوفی محسوب می‌شود که مشکل مذکور را راه حل جدی نیز برای آن پیشنهاد داده است. وی بیان می‌کند که در نظریه خود موسوم به نظریه عدالت سیاسی<sup>۳</sup>، با ارائه راه حل «بی‌طرفی» مشکل مذکور را حل کرده است.

رالز با «بی‌طرفی» اهداف مهمی تعقیب را می‌کند: حذف مناقشه‌ها از حوزه عمومی سیاست از جمله این هدفهاست. این مناقشه‌ها از دو مصدر و منبع ناشی می‌شود. مفاهیم متافیزیکی که در

---

۱. Pluralism

۲. John Rawls (1921-2002)

۳. پس از انتشار کتاب *لیبرالیسم سیاسی*، نظریه وی به لیبرالیسم سیاسی موسوم شد.

## فهرست □ خ

مقدمه

نظریه‌های فلسفی، اخلاقی و دینی وجود دارند، اولین منشأ محسوب می‌شوند. این معامیم اسزاعی اغلب به‌عنوان پیش‌فرض و سنگ بنای این نظریه‌ها تلقی می‌شوند و رالز از آنها به‌مثابه مفاهیم خیر نام می‌برد. منبع دیگر مناقشه‌ها «مشکل قضاوت» است که با منشأ اول بی‌ارتباط نیست. شهروندان، تعلقات خاص و ترجیحات و سلیقه‌های متفاوت دارند که اگر بدفهمی‌ها و سؤظن‌ها را نیز اضافه کنیم، موضوع «مشکل قضاوت» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خصلت‌های انسانی، بیشتر خودنمایی خواهد کرد.

هدف دیگر رالز، ایجاد فضای مناسب برای پلورالیسم معقول است. هرچند که تلاش شود، مناقشه‌ها و منابع آن از حوزه عمومی حذف شوند، اما حذف مطلق آنها ممکن نیست. بنابراین باید واقعیت را پذیرفت و آن را در جهت یک جامعه بسامان سازماندهی کرد. اتخاذ خط مشی بی‌طرفی در اندیشه سیاسی شاید گام مهمی در ایجاد پلورالیسم معقول باشد. چگونگی مسیر دستیابی به این هدف، از اعمال اغماض در سطوح جامعه است، یعنی نه‌تنها اغماض مذهبی، بلکه اغماض در بین نظریه‌های جامع فلسفی و اخلاقی.

اگر در جامعه بسامان، نظریه‌های فراگیر فلسفی، اخلاقی و دینی بر اغماض نسبت به یکدیگر برای مشارکت فعال در جامعه مزبور، به توافق برسند، قدم اصلی برای اجماع همپوشان برداشته شده‌است. به‌عبارت دیگر وقتی که نظریه‌های فراگیر معقول در جامعه بسامان حضور داشته باشند، می‌توانند در زمینه حل و فصل موضوعات مهم و اثرگذار سیاسی اجماع فراگیری را به‌وجود آورند. در این مرحله به نظر رالز جامعه بسامان دارای ثبات خواهد بود که مهم‌ترین هدف لیبرالیسم سیاسی است.

برای نائل شدن به اهداف مذکور، سه مرحله از بی‌طرفی ظرفیت گفت‌وگو و تحلیل دارد: اول بی‌طرفی رویه‌ای<sup>۱</sup> که منظور از آن تدوین منصفانه نظریه عدالت در وضعیتی فرضی موسوم به وضع نخستین است؛ دوم بی‌طرفی نسبت به هدف<sup>۲</sup> که در وضعیت واقعی و غیرفرضی، در جامعه بسامان، نهادهای اساسی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند و سیاست‌های عمومی به‌گونه‌ای تدوین می‌شوند که جایگاه نظریه‌های فراگیر فلسفی، اخلاقی و دینی هم‌پیمان با نظریه عدالت نیز در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر تلاش می‌شود که بر مبنای اصول عدالت، اجماع همپوشان<sup>۳</sup> با آنها به‌وجود بیاید؛ سوم بی‌طرفی در نتایج و آثار<sup>۴</sup> که با اعمال قانون‌های موضوعه، اتخاذ سیاست‌های کلان و جزء و ترویج سیاست‌های مبتنی بر اصول عدالت، درنهایت اثر و نتایج برخی ارزش‌های سیاسی و اجتماعی پرنرنگ‌تر از بقیه

---

۱. Procedural neutrality

۲. Neutrality of aim

۳. Overlapping consensus

۴. Neutrality of effect or influence

خواهد بود. از این رو رالز مانند قریب به اتفاق اندیشمندان لیبرال، بی طرفی در نتایج و آثار را غیرممکن می‌داند، زیرا در جامعهٔ بسامان، در نهایت ارزش‌های لیبرال اثرگذار خواهند بود.

موضوع و مسئلهٔ ما در این اثر به اولین نوع از بی طرفی مربوط می‌شود. بر اساس بی طرفی رویه‌ای، رالز معتقد است که در بخشی از نظریهٔ خود (که وضع نخستین نام دارد)، تمهیدات لازم را برای منصفانه بودن تدوین اصولی که به اصول عدالت متصف شده‌اند، فراهم می‌کند. زیرا در این موقعیت فرضی، همهٔ نیازهای ضروری شهروندان برای رسیدن به توافق عادلانه و منصفانه در نظر گرفته شده‌است. ولی پرسش مهم اینکه آیا وضع نخستین، خود منصفانه خواهد بود؟ به عبارت دیگر آیا پاسخ رالز به چالش تکثرگرایی در جوامع غربی، نسبت به حقوق شهروندان، بی طرفانه و منصفانه است؟ برای پاسخ به این پرسش، عناصر و مقومات وضع نخستین را باید آزمون کرد. زیرا هر کدام از عناصر تشکیل‌دهندهٔ وضع نخستین به خودی خود دارای اهمیت اساسی در مجموعهٔ نظریهٔ رالز محسوب می‌شود. تحلیل و بررسی و نقد منصفانه بودن هر کدام از این عناصر، بی طرف بودن وضع نخستین را مشخص خواهد کرد.

برای انجام دادن این مهم سه مرحله در اثر حاضر طی شده‌است. اولین قدم، شناخت مفهوم بی طرفی است. مفهوم مذکور مهم‌ترین رکن نظری، نظریهٔ رالز محسوب می‌شود که قابلیت تفسیرها و تعبیرهای مختلف را دارد. از این رو با تحلیل گزاره‌های رالز و مقایسهٔ آنها با یکدیگر و دوری از تأویل‌های مابعدالطبیعی، نزدیک‌ترین تعبیر و تفسیر به مقصود وی را ارائه می‌کنیم. در واقع در تأمین این هدف از نوعی تحلیل زبانی استفاده شده‌است. برای نائل شدن به این امر باید توجه داشت که مفهوم بی طرفی در آثار رالز به صورت‌های مختلفی بیان شده‌است، آنچه که از آثار وی، به صورت کلی درمی‌یابیم اینکه بی طرفی به معنای عدم ابتدای به مفاهیم خیر است؛ اما نسبت به مفاهیم مذکور موضع و قضاوت وجود دارد و البته شهروندان در انتخاب مفاهیم خیر آزادند. از آنجا که مفاهیم خیر در نزد برخی از متفکران غرب در برابر مفاهیم حق هستند، پس به نظر می‌رسد که بی طرفی رالزی نسبت به مفاهیم حق نیست بلکه مفاهیم حق را بر مفاهیم خیر ترجیح می‌دهد. اگر چنین دریافتی درست باشد، شناخت تفاوت‌ها بین مفاهیم خیر و حق، نکتهٔ کلیدی و مهمی است. عبارت‌هایی را که رالز در تعریف خیر و حق بیان می‌کند به گونه‌ای است که همپوشانی‌هایی دارد و شاید خواننده را دچار سوءتفاهم کند. ارزیابی، نقد و بررسی آنچه رالز مفهوم خیر یا حق می‌خواند، در این مرحله انجام گرفته‌است.

دومین قدم، تدوین و به دست دادن معیارهایی برای ارزیابی مفهوم بی طرفی رالزی است. نکتهٔ مهم در تأمین هدف دوم اینکه معیارهای مذکور باید مستخرج از آثار رالز و مورد تأیید وی باشند. در این صورت است که آزمون نظریهٔ رالز منصفانه خواهد بود. معیارهای مذکور به مثابهٔ ابزارهایی هستند تا



نظریه بی‌طرفی را عیارسنجی کنیم و این ابزارها، ما را در محک نظریه رالز کمک و یاری خواهند داد. اگر نظریه مذکور از آزمون‌های مورد نظر به سلامت گذشت، در حقیقت بی‌طرفی مو مقدمه رالز به اثبات رسیده و در غیر این صورت بی‌طرفی نظریه مذکور اثبات‌شدنی نیست.

سومین قدم آزمون مفهوم بی‌طرفی است. در این مرحله دو کار انجام گرفته است: اول انتخاب قسمت یا قسمت‌هایی از نظریه رالز برای آزمون؛ دوم آزمون آن بخش‌ها و ارزیابی آنها. برای انتخاب بخش مورد آزمون نظریه رالز، باید به یاد داشت که این نظریه بسیار گسترده و از ابعاد مختلف تشکیل شده که او برای تدوین هر بعد، از روش‌های گوناگون معرفت‌شناختی و استدلال‌های فراوان بهره برده است. از این رو، انتخاب بخش مورد نظر باید معقول و دفاع‌پذیر باشد. در موضوع مورد نظر یعنی محک و آزمون بی‌طرفی، بخشی که در آن، بی‌طرفی شکل می‌گیرد، وضع نخستین است. وضع نخستین شامل عناصری خواهد بود که به نظر رالز نقش مهمی در تدوین نظریه لیبرالیسم سیاسی وی مبتنی بر بی‌طرفی ایفا می‌کنند؛ در یک انتخاب منصفانه و بی‌طرفانه، نمایندگان شهروندان، در وضع نخستین به دو اصل عدالت (آزادی و برابری) دست می‌یابند. آنگاه آنها از این موقعیت درمی‌آیند و به دنیای واقعی گام می‌نهند و بر مبنای دو اصل عدالت، جامعهٔ بسامان را بنا خواهند گذاشت. در این جامعه، تشکیل مؤسسات و نهادهای اصلی جامعه، قانونگذاری و ارتباط شهروندان با یکدیگر و با حکومت بر مبنای آن دو اصل انتخاب شده در وضع نخستین است. به نظر رالز از آنجا که وضع نخستین منصفانه و بی‌طرفانه است، دو اصل عدالت که از چنین وضعی نتیجه شده نیز بی‌طرفانه خواهد بود و همهٔ شهروندان صرف نظر از وابستگی‌هایشان به خیرهای خاص مبتنی بر نظریه‌های فراگیر فلسفی، اخلاقی و دینی، دو اصل مذکور را قبول دارند.

حال با توجه به هدف این اثر، باید عناصری از وضع نخستین آزمون شوند تا دریابیم آیا بی‌طرفی ادعایی رالز اثبات‌شدنی است یا خیر. سه عنصر اصلی که از وضع نخستین انتخاب می‌کنیم عبارتند از: ۱- پردهٔ جهل: به نظر رالز پردهٔ جهل به صورت منصفانه و بی‌طرفانه، وضعیتی را به وجود می‌آورد که نمایندگان بدون توجه به وابستگی‌های اعتقادی خود به نظریه‌های فراگیر فلسفی، اخلاقی و دینی و همچنین بدون توجه به موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های فردی، دست به انتخاب اصولی می‌زنند که حداقلی از منافع را برای آنها و به صورت برابر فراهم می‌کند. به این ترتیب اهمیت انتخاب پردهٔ جهل مشخص خواهد شد؛ ۲- خیرهای اولیه یعنی آزادی‌های اساسی مثل آزادی بیان و آزادی اندیشه، آزادی رفت و آمد، آزادی انتخاب شغل، قدرت و حق انحصاری برابری فرصت، ثروت و درآمد و بنیان‌های اجتماعی عزت نفس از جملهٔ عناصر مهم دیگری هستند که وضع نخستین را شکل می‌دهند. با توجه به اینکه پردهٔ جهل، نمایندگان را از اطلاعات و انگیزه‌هایی محروم می‌کند که موجب راهنمایی آنها برای تدوین نظریه‌ای به نفع خویش است، رالز خیرهای اولیه را در

وضع نخستین فرض می‌کند تا انگیزه لازم ولی منصفانه و بی‌طرفانه برای آنها فراهم کند؛ ۳- اصل عدم نفع متقابل، بخشی از وضع نخستین است که مأموریت پرده‌جهل را تکمیل می‌کند. این مؤلفه، مانع دخالت گرایش‌های روحی و روانی مانند حسد و خودمحوری و دیگر دوستی در انتخاب اصول عدالت خواهد شد.

در این مرحله سوم که مهم‌ترین مرحله در آزمون نظریه رالز است، آزمون وضع نخستین به انجام می‌رسد. اگر هر سه عنصر و مؤلفه انتخاب شده از وضع نخستین، توانستند از این آزمون با موفقیت خارج شوند، بی‌طرفی در نظریه رالز به اثبات رسیده است. در غیراین صورت عدم بی‌طرفی در وضع نخستین و در نتیجه در نظریه رالز محرز می‌شود. در این مسیر، اصلاحات، تجدید نظرها و فرارز و فرودهای نظریه رالز در زمینه وضع نخستین و مؤلفه‌های آن، مورد توجه بوده‌اند. منابع اولیه یعنی آثار رالز با توجه به تجدید نظرهایی که کرده است، مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند. دو کتاب اصلی وی یعنی «نظریه‌ای در باب عدالت» که در سال ۱۹۷۱ به‌عنوان اولین کتاب وی منتشر شد و «لیبرالیسم سیاسی» که در سال ۱۹۹۳ منتشر شد مدنظر بوده‌اند. البته سایر آثار رالز نیز که در ارائه شواهد و ارتقای تحلیل مؤثر بوده‌اند، استفاده شده‌اند. آثار ثانوی از بین آثار شارحان و منتقدان رالز انتخاب شده که در فهرست منابع آمده است.

در این اثر عوامل و مقومات مهم وضع نخستین را، چه قبل و چه بعد از تجدید نظر و در مقایسه با هم، بررسی می‌کنیم؛ البته به بی‌طرفی نسبت به اهداف و بی‌طرفی در نتایج و آثار به‌صورت کامل و مستقل نپرداخته‌ایم؛ زیرا گستره تحقیق حاضر فقط مربوط به روند تدوین نظری و فلسفی بی‌طرفی است. هر چند که از آرای نظریه‌های فراگیر و غیرفراگیر که رالز امکان اجماع با آنها را در جامعه بسامان مطرح می‌کند و همچنین از برخی مثال‌ها و واقعیت‌ها در جوامع لیبرال بهره برده‌ایم. در پایان از دست اندرکاران چاپ و انتشار این اثر، یعنی مجموعه انتشارات دانشگاه تهران، شامل استادان و داوران محترم و کارشناسان و سایر عوامل اداری و فنی کمال تشکر و امتنان را دارم. از خوانندگان محترم نیز خواهشمندم با توجه به اینکه این اثر بی‌تردید دارای کاستیها و نقص‌هایی است، اینجانب را با انتقادهای و پیشنهادهای خویش، راهنمایی کنند.